

مطالعه آسیب پذیری زنان سرپرست خانوار بر اساس تجارب زیسته آنان

(مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان مازندران)

حدیثه رضائی فر^۱، محمدعلی آدیش^۲

چکیده

زمینه و هدف: امروزه تعداد زنان سرپرست خانوار در حال افزایش است؛ آنان به دلیل جدا شدن از همسر، فوت همسر و قرار گرفتن در یک دنیای جدید و ناآشنا با زندگی قبلی در معرض آسیب پذیری وسیعی قرار می گیرند.

روش: پژوهش حاضر به روش کیفی پدیدارشناسی و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته در بین زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان مازندران تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. حجم نمونه در این پژوهش تا ۲۰ نفر از زنان سرپرست خانوار بود. برای تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA و از روش پدیدارشناسی جهت تفسیر نتایج استفاده شده است.

یافته ها: از جمله آسیب های اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار مورد پژوهش؛ مشکلات مالی، اشتغال، مسکن، انزوا و محدودیت، ناامنی جنسی، بی اعتمادی، دوگانگی نقش، کاهش سلامت روانی و اجتماعی، ازدواج مجدد ناکام، پرخاشگری فرزندان، بزهکاری فرزندان، افت و ترک تحصیل فرزندان، مصرف مواد مخدر و نگرانی از آینده فرزندان می توان بیان داشت.

نتیجه گیری: بنابر نتایج بدست آمده؛ زنان سرپرست خانوار مورد پژوهش، بسته به ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه با مشکلات فراوانی مواجه می باشند که آسیب های فراوان اقتصادی و اجتماعی را برای خود و جامعه به همراه دارند.

کلید واژه ها: زنان سرپرست خانوار، آسیب های اجتماعی، آسیب های اقتصادی، بهزیستی غرب استان مازندران

^۱ دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. Hadisramzani2017@gmail.com

^۲ دکتری مدیریت دولتی منابع انسانی Psharif94@yahoo.com

Study of the Vulnerability of Female-Headed Households Based on Their Lived Experiences

(Case Study: Female-Headed Households under the Coverage of Social Welfare in Western Mazandaran Province)

Abstract

Background and Objective: Nowadays, the number of female-headed households is increasing. These women are significantly vulnerable due to factors such as separation from their spouse, the death of a spouse, and the transition to a new and unfamiliar life.

Method: This research employs a qualitative phenomenological approach, using semi-structured interviews conducted with female-headed households under the coverage of social welfare in western Mazandaran province, until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed using MAXQDA and phenomenological methods were applied for the interpretation of results.

Findings: The study identified the following social and economic vulnerabilities among the female-headed households: financial difficulties, employment challenges, housing issues, social isolation and restrictions, sexual insecurity, distrust, role duality, deterioration in mental and social health, unsuccessful remarriages, children's aggression and delinquency, school dropout, drugs abuse, and concerns about the future of their children.

Conclusion: The results indicate that female-headed households under study face many challenges due to the economic and social structures of the society. These challenges result in extensive economic and social harm to both the women themselves and the community.

Keywords: female-headed households, social vulnerabilities, economic vulnerabilities, social welfare in Western Mazandaran province

۱. مقدمه

زنان سرپرست خانوار از گروه های آسیب پذیر جامعه هستند و به عنوان یک مسئله اجتماعی تلقی می شوند. زیرا سرپرستی خانوار مستلزم تامین منابع مالی و انجام کلیه امورات زندگی به تنهایی می باشد. با توجه به شرایط تقسیم کار جنسیتی در جامعه ایران بسیاری از زنان برای اجرای نقش مردانه و تامین مالی آموزش ندیده؛ لذا با قرار گرفتن در نقش سرپرست خانوار با موقعیت های دشواری روبرو می شوند که زمینه را برای بروز انواع آسیب های اجتماعی، روانی و جسمانی بالا می برد. ایفای نقش دوگانه داخل و خارج از خانه مهم ترین مشکلی است که این زنان در ابتدا با آن روبرو می شوند (واعظی، اسماعیلی و محمدی، ۱۴۰۰). بررسی های آماری نشان می دهد، طی چند سال اخیر در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شمار زنان سرپرست خانوار افزایش یافته است (ال لاویندی و همکاران^۳، ۲۰۱۸). بر اساس گزارشات سازمان ملل در سال (۲۰۱۵) زنان بیش از یک سوم سرپرست خانوارها را تشکیل می دهند (موانگی^۴، ۲۰۱۷). تحقیقات اخیر حاکی از افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار در کشورهای توسعه یافته می باشد (لیو، استیوی و تریونو^۵، ۲۰۱۷). در ایران، داده های آماری نشان دهنده افزایش شمار زنان سرپرست خانوار می باشد؛ به طوری که در سال های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۷/۳، ۷/۱، ۸/۴، ۹/۴ و ۱۲/۱ درصد (مرکز آمار ایران) و در سال ۱۳۹۵ نیز ۱۲ درصد از کل خانوارهای ایرانی را خانوارهایی زن سرپرست تشکیل داده اند. به طوری که با پدیده "زنانه شدن فقر" مواجه ایم. محدودیت های حقوقی، عرفی و نابرابری ها در بیشتر زمینه های اجتماعی - اقتصادی برای زنان، خصوصاً زنان سرپرست خانوار در کشورمان، توجه به مسائل زنان سرپرست خانوار را به عنوان اقشار آسیب پذیر جامعه ضروری کرده است. در کشورهای در حال توسعه باید به زنان سرپرست خانوار توجه ویژه صورت گیرد؛ زیرا دسترسی به بازار رسمی برایشان دشوار بوده و از طرف دیگر مجبور به تحمل فشارها هنجارهای فرهنگی و اجتماعی می باشند (ترابی، صادقی و رنجبری، ۱۴۰۱). بیشتر زنان سرپرست خانوار تحت حمایت نهادهای حمایتی قرار دارند و استقلال مالی ندارند؛ لذا بعد از پذیرش سرپرستی فرزندان در زمینه شغل و درآمد مناسب با مشکل مواجه می شوند و در نتیجه به مشاغل غیر رسمی، کم ارزش و ساده با درآمد کمتر روی می آورند. کم بودن درآمد و بالا بودن هزینه های زندگی آنان را به ورطه فقر می کشاند (جوادیان، میرزایی فتح آبادو افراسیابی، ۱۳۹۸). سرپرست خانوار بودن باعث بروز مشکلات رفتاری و روانی از جمله افسردگی، ناسازگاری، پرخاشگری، روسپیگری و اعتیاد شده است. این زنان اغلب گرفتار مردان خیابانی و مردانی سوء استفاده گر و فریبکار می گردند که این امر منجر به بروز ناامنی و بی اعتمادی بیشتر و در نتیجه بدبینی به محیط و دیگران می شود (مختاری و دهقانی، ۱۴۰۰). لوبر و همکاران^۶ (۲۰۰۰) معتقدند فرزندان زمانی که با یکی از والدین زندگی می کنند تعاملات نامناسبی بینشان وجود داشته که باعث رشد نامناسب و آسیب پذیری بیشتر فرزندان می گردد فشارهایی که این زنان در زندگی زیادی تحمل می کنند منجر به کاهش کارکرد و افت کیفیت زندگی و رضایت آنان می گردد. توجه به مشترک بودن بسیاری از مشکلات در بین زنان سرپرست خانوار هر کس با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی تجربه ای متفاوت از دیگری دارد (امراه مجدآبادی و همکاران، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهش های انجام شده نشان دهنده آن است که زنان سرپرست خانوار به خدمات اقتصادی - اجتماعی کافی دسترسی نداشته لذا در معرض آسیب قرار دارند، آسیب ها در زمینه شغلی زنان بیشتر است. از آنجایی که کمبود منابع، میزان آسیب پذیری خانواده ها را افزایش می دهد به نوعی منجر به تبعیض شغلی هم می گردد این تبعیض شغلی، رفاه اجتماعی را از بین برده و

^۳ - El-Lawindi et al

^۴ - mwangi

^۵ - Liu, Esteve and Trevino

^۶ - Loeber & Et al

منجر به ناکارآمدی آنان می گردد (جوادیان، میرزایی فتح آبادو افراسیابی، ۱۳۹۸). از آنجا که زنان بنیان سلامت خانواده و جامعه را تشکیل می دهند؛ تأمین مراقبت های مورد نیاز آنها زمانی امکان پذیر است که دید گسترده و جامعی از وضعیت و مشکلات آنها وجود داشته باشد. بیشتر مطالعات در مورد زنان سرپرست خانوار، کمی و تجربی بوده و بر مشکلات اقتصادی آنها متمرکز بوده است. با این حال، برای درک بهتر چالش ها و مشکلات زنان سرپرست خانوار، نیاز به تحقیقات کیفی است که تمام جنبه های زندگی آنها را پوشش دهد و شرایط زندگی آنها را از دیدگاه تجربیات خود آنها نشان دهد.

هدف کلی: بررسی چالش ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان مازندران می باشد.

سوال پژوهش: زن سرپرست بودن چه تجربی را برای شما داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

بونیک و همکارانش^۷ (۱۹۷۸) زن سرپرست خانواده کسی است که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند. در تعریف سازمان بهزیستی از زنان سرپرست خانوار؛ منظور زنانی است که بنا به عللی از قبیل فوت همسر، مفقودالاثر شدن، محکومیت به زندان، مجهول المکان بودن همسر، طلاق، از کارافتادگی همسر به دلیل ابتلا به بیماری صعب العلاج، اعتیاد همسر، و نیز دخترانی که به دلیل عدم ازدواج مسئولیت تأمین معاش مالی خانواده را برعهده داشته و واجد شرایط حمایت باشند در این مقوله قرار می گیرند (دستورالعمل جامع حمایت اجتماعی سازمان بهزیستی، ۱۳۹۱). طبق تعریف مرکز آمار ایران سرپرست خانوار، عضوی از خانوار است که معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده ای از هزینه خانوار و یا تصمیم گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد، این فرد می تواند مرد یا زن باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳).

انواع زنان سرپرست خانوار عبارتند از: ۱) زنان همسر فوت شده، ۲) مطلقه ۳) همسر از کار افتاده، بیمار یا بیکار هستند ۴) همسران معتاد که تأمین مخارج زندگی به عهده خودشان است ۵) زنانی که همسران آنها جهت یافتن شغل، یا به هر دلیل دیگری، مهاجرت نموده اند و خودشان عهده دار مسئولیت زندگی هستند ۶) زنانی که ازدواج نکرده اند ۷) همسران شهدای جنگ ۸) همسر زندانی (مودنی، ۱۳۹۷).

زنان سرپرست خانوار به دلایل مختلفی که همسرانشان را از دست می دهند و یا از همسرانشان جدا می شوند ناگهان وارد دنیای جدید و ناآشنا می شوند با شرایط زندگی قبلی بسیار متفاوت است که بنا به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی شان در معرض انواع آسیب های اجتماعی قرار دارند (واعظی، اسماعیلی و محمدی، ۱۴۰۰). فولر و لین^۸ (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان داد که بین آسیب پذیری و انعطاف پذیری زنان و مردان سرپرست خانوار تفاوت وجود داشته و زنان آسیب پذیرتر از مردان بوده اند. فکس و شراینر^۹ (۲۰۱۴) نتایج نشان داده که زنان در ازدواج دوم به نوعی ترس از شکست مجدد و از هم پاشیدگی دوباره خانواده را با خود داشته زیرا این ازدواج ها روابط پیچیده خانواده ناتنی را به همراه دارد. ترابی^{۱۰} (۱۴۰۱) در پژوهش خود به این یافته رسید که زنان بیش از اینکه از نظر مادی آسیب پذیر باشند از نظر روانی و اجتماعی آسیب پذیر هستند. واعظی، اسماعیلی و محمدی (۱۴۰۰) تجربیات زیسته ی زنان در زمانی که رفتارهای پرخطر داشته اند، نشان دهنده ی اعتماد اجتماعی پایین، مشارکت اجتماعی نداشتن و بیگانگی اجتماعی در میان زنان بوده است. میرحسینی و کوه پیم^{۱۱} (۱۴۰۰) در پژوهش واکاوی فهم ادراک شده زنان از

^۷ -

^۸ - Fullera, Lainb

آسیب اجتماعی به این نتیجه رسیدند که آسیب های حوزه زنان به روابط درون خانوادگی، شکل گیری پبله های تنهایی، فردگرایی، فرزند محوری، والدگری تعمیم یافته، ناسازگاری، چالش های مربوط به رفاه اجتماعی می باشد. حسین پور (۱۳۹۶) در پژوهش به این نتیجه رسیدند که زنان سرپرست خانوار با مشکلات از دست دادن اعتماد به نفس، کارکرد اجتماعی و بروز مشکلات جسمی و روحی و روانی روبرو هستند. آنان در تمامی زمینه ها حمایت های اجتماعی کمتری دریافت می کنند. پژوهش های مختلف مشکلات زنان سرپرست خانوار را فقر، ناامنی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، بی قدرتی، مشکلات بهداشتی که همه اعضا خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد را بیان می نماید و در نتیجه آسیب پذیری بیشتر زنان را به دنبال دارد (شیانی و زارع، ۱۳۹۸). اغلب آسیب های زنان سرپرست خانوار در حوزه های روان شناختی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. بر اساس مرور مطالعات انجام شده، زنان سرپرست خانوار در بسیاری از موارد بیش از آنکه از نظر مادی آسیب پذیر باشند، از نظر روانی و اجتماعی آسیب پذیر هستند. به این ترتیب، منشا محرومیت ها و آسیب های زنان سرپرست خانوار را نمی توان فارغ از تاثیر جامعه و خانواده تحلیل کرد. فهم تجربه زنان در زمینه آسیب های اجتماعی می تواند راهگشای برنامه ریزی های اجتماعی برای چنین گروه های آسیب پذیری شود. سلامت زنان پیش شرط اساسی برای ارتقای سطح امنیت روانی و اجتماعی جامعه است و چون زنان سرپرست خانوار اداره کننده خانواده و فرزندان هستند و بالا رفتن سطح زندگی آنان نقش مؤثری در توسعه فرهنگی کشور دارد. بنابراین در این پژوهش تاکید بر زنان سرپرست خانوار بوده که کیفیت زندگی و وضعیت در هم ریخته ی اقتصادی این زنان آنان را در معرض آسیب قرار می دهد.

تئوری زنانه شدن فقر،

در سال های اخیر خانوارهای زن سرپرست افزایش یافته و از نظر اقتصادی فقیر در شرایط بدی قرار دارند، فرزندان شان نیز مادی و رفاهی و عاطفی در وضعیت نامناسبی می باشند. بزهکاری در بین فرزندان این زنان بیشتر می باشد. آنان مجبور به اشتغال غیر رسمی و حاشیه ای با درآمد کم می باشند تا هزینه های زندگی را تامین کنند کار بیرون از خانه و تنظیم وقت برای انجام کارهای درون خانه مشکلات و آسیب هایی را برای زنان و فرزندان شان به همراه دارد، این مسئله از دیدگاه صاحب نظران فقر زمانی نامیده می شود. نظام تبعیض جنسیتی است و عدم امکان برخورداری از فرصت های اجتماعی، شغلی، تحصیلی، درآمدی، رفاهی و تفریحی یکسانی برای زنان علت اصلی وجود این شرایط در زندگی زنان است (غلامی، ۱۳۹۶).

با توجه به نظریه بیگانگی اجتماعی، زنان سرپرست خانوار از آنجایی که برای ایفای نقش سرپرستی، جامعه پذیر نشده اند، دچار نوعی اختلال و سردرگمی، کاهش ارتباطات اجتماعی،

وجود، قضاوت های نادرست، نگاه های تنگ نظران، باورهای غلط و نامناسب در جامعه در خصوص زنان سرپرست خانوار، احساس ناراحتی، ناامنی و بیگانگی را در آنان بوجود می آورد. این احساسات منفی باعث کاهش میزان حضور آنان در اجتماع شده و میزان پذیرش آشنایان و دوستان و غریبه ها بسیار پایین می باشد و تنها به بستگان درجه یک خود اعتماد دارند (غلام نیارمی و انصاری، ۱۳۹۴: ۳۷). بی اعتمادی باعث کاهش انگیزه حضور در جامعه و انجام فعالیت های اجتماعی - اقتصادی می گردد نگاه جامعه به زن سرپرست خانوار منجر به محدود شدن شبکه روابط اجتماعی آنان شده و بیگانگی اجتماعی را به دنبال دارد. همچنین امنیت ارتباطی و عاطفی را در آنان با اختلال مواجه می کند. زنان تجربیات آزار دهنده ای از روابط خویشاوندان و اطرافیان خود دارند. آنان تجربه های اجتماعی کمی از فضای جامعه دارند و به دلیل نبود مردی در کنارشان استقلال و آزادی کمتری برای فرزندان خود قائل می شوند و معمولاً فرزندان آنان دارای اعتماد به نفس کمتر و ترس بیشتری از فضای اجتماعی هستند. اینها همه باعث افزایش مشکلات روحی، افسردگی، اضطراب، در آنان می گردد (غلامی، ۱۳۹۶).

انزوای اجتماعی: سیمین^۹ (۲۰۱۰) معتقد است انزوای اجتماعی واقعیتی فکری است که در آن فرد تعلقی با ارزش های موسوم جامعه ندارد. کوهن^{۱۰} (۲۰۰۹) انزوای اجتماعی برابر با بیگانگی فرهنگی می داند که نشان دهنده تفاوت ایده ها و عقاید افراد در زمینه یک موضوع می باشد. یوریک^{۱۱} (۲۰۰۷) انزوای اجتماعی را به معنای فقدان پیوندهای اجتماعی در میان افراد می داند (خانی، خضری و یاری، ۱۳۹۶). این نظریه بر ضعف پیوندهای اجتماعی اشاره داشته و زنان سرپرست خانوار با از دست دادن برخی پیوندهای اجتماعی مانند از دست دادن شوهر و زمان ناکافی به دلیل اشتغال، زمان مناسبی را برای درگیری در امورات زندگی نداشته و از روابط خانوادگی و محلی و اجتماعی کناره گیری نموده و در نتیجه انزوای اجتماعی در پیش می گیرد.

روانشناسان عمده ترین منبع استرس برای زنان سرپرست خانوار را ایفای نقش های متعدد در یک زمان می دانند. این زنان نقش های چندگانه را در خانواده ایفا می کنند لذا دچار چندگانگی نقش شده و این امر سلامت جسمی و روانی آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد (قاسمی، اسفجیر و حیدرآبادی، ۱۴۰۰).

دیدگاه ساختی - کارکردی: پارسونز با توجه به الگوی نقش ها، دو الگوی نقش در خانواده را مطرح می کند. که در آن مردان از طریق شغل و درآمد شغلی امنیت و آسایش خانواده را فراهم می کنند و زنان ایجاد کننده و حفظ کننده روابط عاطفی هستند. با بر هم خوردن این تقسیم نقش در خانواده تعادل زندگی بهم خورده و باعث بروز چالش در خانواده می گردد (مونسی، ۱۳۹۶: ۹).

نظریه ناکامی منزلتی: کوهن (۲۰۰۹) فرزندان طبقات فرودست در فرآیند جامعه پذیری و آموزش در مدرسه و آشنایی با ارزش های اجتماعی، در رقابت با همکلاسان طبقات بالاتر درمانده، ناکام و تحقیر می شوند. این فرزندان در مدارس شکست خورده و با یادگیری ارزش های طبقه متوسط در برگشت به محله خود در صدد جبران ناکامی برای دست یابی به منزلت اجتماعی، خرده فرهنگ بزهکاری را بوجود می آورند که در مقابل نظام ارزشی طبقه بالا می باشد (خانی، خضری و یاری، ۱۳۹۶). این ناامنی و عدم احساس امنیت نه تنها برای زنان در جامعه امروز وجود دارد بلکه زندگی فرزندان آنان را تحت تاثیر قرار می دهد. آنان تحت تجربیات زندگی خانوادگی خصوصا مادر قرار گرفته و با همین دید عدم امنیت، جامعه پذیر می شوند. با توجه به اینکه در پژوهش کیفی قصد نظریه آزمایی وجود ندارد، لذا پژوهش پیش رو چارچوب نظری نداشته و نظریات صرفا به عنوان چارچوب ارجاعی و استنادی در مرحله جمع آوری داده ها تا مرحله تجزیه و تحلیل یافته ها مورد استفاده قرار می گیرد.

۳. روش شناسی پژوهش

این تحقیق یک پژوهش با روش شناسی کیفی است که به دنبال تبیین تفهیمی رفتار کنشگران می باشد. این روش به دنبال درک عمیق واقعیت جهان اجتماعی از نقطه نظر افراد می باشد و قصد دارد معنایی را که آنان به تجارب زیسته ی خود می بخشند درک کند. روش تحقیق کیفی انعکاس دهنده ی مفاهیم ناشناخته است که در اکتشاف مسایل و نکات جدید در زمینه ی موضوعات مختلف و حوزه هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته کاربرد دارد. برای درک عمیق از نحوه ی نگرش زنان سرپرست خانوار در زمینه چالش های پیش رو، پژوهش کیفی اجتناب پذیر است. هدف تحقیق کیفی، نوعاً یک مطالعه ی مفصل و عمیق است (استنبرگ، ۱۳۸۴).

^۹ - Seeman

^{۱۰} - Kohn

^{۱۱} - Urick

پیچیدگی و حساسیت پدیده مورد مطالعه در یک بافت فرهنگی - اجتماعی منجر به اتخاذ استراتژی پدیدارشناسی شد. لذا داده های پژوهش با مصاحبه های نیمه ساختار یافته جمع آوری شده است. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه ی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان به تعداد ۴۰۰۰ نفر می باشد. تعداد نمونه در پژوهش های کیفی از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه بسته به داده های جمع آوری شده می باشد؛ لذا طی هماهنگی با ادارات بهزیستی غرب استان مازندران، زنان سرپرست خانواری که تمایل به همکاری با پژوهشگر داشتند انتخاب شدند. از این رو با استفاده از نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری، یعنی زمانی که داده های اضافی، کمکی به تکمیل مقوله نظری نکنند ادامه یافت. در این تحقیق تعداد ۲۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان مازندران به عنوان نمونه پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند.

جدول ۱. توصیف ویژگی های زمینه ای زنان سرپرست خانوار مورد پژوهش

ردیف	محل زندگی	نام و نام خانوادگی	سن	مدت زمان ازدواج	میزان تحصیلات	وضعیت شغلی	علت سرپرستی
۱	روستا	مهنا	۳۴	۱۴	دیپلم	گل و گیاه	فوت همسر
۲	شهر	مریم	۲۷	۶	کارشناسی ارشد	دفتر بیمه	فوت همسر
۳	شهر	زینب	۲۶	۳	دیپلم	حصیربافی	طلاق
۴	روستا	سارا	۳۰	۱۰	فوق دیپلم	منشی	فوت همسر
۵	شهر	فاطمه	۲۹	۵	دیپلم	تولیدی پوشاک	طلاق
۶	شهر	مونس	۳۵	۳	لیسانس	منشی	طلاق
۷	روستا	خدیجه	۴۶	۲۰	سیکل	کارگر روزمزد	فوت همسر
۸	روستا	رقیه	۴۴	۲۵	دیپلم	خانه دار	طلاق
۹	روستا	شهلا	۲۶	۴	فوق دیپلم	کارگر خدماتی	طلاق
۱۰	شهر	نرگس	۲۳	۳	لیسانس	خدمات	طلاق
۱۱	شهر	سمیه	۴۰	۱۵	دیپلم	خدماتی	همسر متواری
۱۲	شهر	سهیلا	۲۴	۷	دیپلم	خانه دار	طلاق
۱۳	روستا	کبری	۳۶	۱۸	دیپلم	خدماتی	فوت همسر
۱۴	شهر	مهری	۳۵	۱۰	دیپلم	راننده آژانس	طلاق
۱۵	روستا	میترا	۲۰	۳	دیپلم	خانه دار	طلاق
۱۶	روستا	ماریا	۲۵	۴	فوق دیپلم	خیاط	طلاق
۱۷	روستا	هستی	۲۸	۷	لیسانس	خانه دار	فوت همسر
۱۸	شهر	هما	۴۳	۲۰	دیپلم	آرایشگر	همسر متواری
۱۹	روستا	رؤیا	۳۷	۱۸	دیپلم	خانه دار	همسر متواتری
۲۰	روستا	صدیقه	۳۳	۱۰	فوق دیپلم	شاگرد مغازه	طلاق

جهت تحلیل داده ها در این پژوهش پس از پایان هر مصاحبه فایل صوتی پیاده سازی و در قالب متنی کدگذاری شده و سپس مفاهیم از دل مصاحبه ها بدون تکرار و بر مبنای هدف پژوهش استخراج و سپس مقوله سازی شده و تحلیل و تفسیر اطلاعات صورت گرفته است.

اعتبار و پایایی پژوهش: در این پژوهش بعد از مصاحبه و مطالعه دقیق دست نوشته ها، کدگذاری، مقوله بندی و مضامین استخراج شد؛ ارزیابی نتایج بر حسب اهداف توسط نویسندگان صورت گرفت و در نهایت جهت افزایش اعتبار و روایی پژوهش، گزارش ها و تفسیر ها در اختیار مشارکت کنندگان قرار داده شد تا صحت و سقم تحلیل ها ارزیابی گردد.

۴. یافته‌ها

افراد شرکت کننده در این پژوهش ۲۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان مازندران بودند که در فاصله سنی ۲۰ تا ۲۵ سال قرار داشتند. از بین شرکت کنندگان ۱۱ زن مطلقه، ۶ زن فوت همسر و ۳ زن همسر متواری بودند. مدت زمان ازدواج از ۳ تا ۲۰ سال بوده است. از نظر سطح تحصیلات ۱ نفر کارشناسی ارشد، ۳ نفر کارشناسی، ۴ نفر کاردانی، ۱۰ نفر دیپلم و ۱ نفر سیکل بوده اند.

در این بخش، گزارش حاصل از مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی غرب استان مازندران ارائه می شود. ابتدا پژوهشگر به ارائه مفاهیم حاصل از مصاحبه های انجام شده می پردازد. بررسی مصاحبه در مرحله اول نشان داده ۱۷۱ کد اولیه و در مرحله بعد ۴۴ کد که در جدولی زیر کدها و یک نمونه از عبارات مفهومی مربوط به آن کد نشان داده می شود.

جدول ۲. کد ها و مولفه های مربوط به آسیب های حوزه زنان سرپرست خانوار

کد ها	عبارت های مفهومی
هزینه بالا	هزینه های زندگی الان خیلی بالاست نمی دونم می تونم از پس هزینه های زندگی بر بیام یا نه.
زندگی با خانواده	در منزل پدرم زندگی می کنم
ازدواج مجدد اجباری	بخاطر هزینه های زندگی و تامین سرپناه دارن مجبورم می کنند به ازدواج با یه پیرمرد راضی بشم
امنیت جنسی	دلم می خواد در محیط کار حداقل از نظر جنسی یک هاله امن داشته باشم.
پنهان کردن طلاق	به کسی نگفتم از شوهرم جدا شدم
کار خدماتی	مجبور به انجام کارهای خدماتی بودم برای تامین هزینه زندگی
نقل مکان	دوست دارم از آن مکان مهاجرت کرده و به جایی ناشناس بروم.
دیدنامناسب به طلاق	کوچکترین رفتارهای من زیر ذره بین همسایه ها قرار دارد.
گوشه گیری فرزندان	بچه های من کمتر در جمع حاضر می شوند
افت تحصیل فرزندان	بچه هام از نظر تحصیلی شرایط نامناسبی دارند
کار فرزندان	پسرم (۱۵ ساله) درس و مدرسه را رها کرده و کار می کنه
نداشتن تفریح	فقط کار می کنیم تا خرجمون در بیاد تفریح و مهمونی هیچی
تامین هزینه زندگی	تامین همه هزینه های زندگی با خودمه
سرزنش خانواده	مدام از طرف اطرافیانم سرکوفت می شنوم
درآمد نامناسب	دغدغه ام داشتن یک درآمد خوبه و زندگی در خانه پدری خیلی سخته
خیانت	بعد از خیانت همسرم دیگر مانند در آن زندگی برایم غیر ممکن بود
پیشنهادات نا مشروع	وقتی برای گرفتن وام دنبال ضامن می گشتم بهم پیشنهاد ضمانت به شرط سیغه شدن دادن
کم توجهی به فرزندان	بچه ها نه زمانی که پدرشان بوده و نه هم اکنون رنگ خوشی ندیده اند.
ساعت کاری زیاد	مجبورم ساعات زیادی کار کنم تا به خانواده ام محتاج نباشم.
آزار کلامی	آزار زبانی از اشکال رایج تحقیر زنان سرپرست خانوار در محیط خانواده

محیط متشنج	شرایط ناآرام خانواده قبل از طلاق و مشکلات مربوط به نبود پدر در خانواده است.
ناسازگاری فرزندان	بخاطر تنش های زندگی زناشویی فرزندان به شدت ناسازگار می شوند
استرس فرزندان	بچه ام به شدت استرس داره و تمرکزی رو درسش نداره
مخالفت خانواده با جدایی	در خانواده ما طلاق رسم نبود همه مخالف بودن
شغل مناسب	مهمترین دغدغه ذهنی ام پیدا کردن یک شغل مناسب تا بتوانم هزینه زندگی را تامین کنم
عدم امنیت شغلی	دلم می خواد جایی کار کنم که محیط زنونه باش
عدم تمایل به رابطه	سردی رفتار آنان باعث شد که متوجه شوم دیگر دوست ندارند با من رابطه داشته باشن
نگاه سرد اطرافیان	بعد از اینکه طلاق گرفتم دوستان و اطرافیانم نگاه سرد و منفی به من داشتند
عدم پذیرش فرزندان	مخالف قبول حضانت فرزندم بودند
خستگی مداوم	بعد از برگشت به خانه هم از بس خسته ام
کار بیرون از خانه	خانواده من با کار بیرون از منزل مخالفن،
نگرانی از آینده فرزندان	خدا رو شکر بچه دار نشدم و الا الان باید یه بچه رو هم دنبال خودم می کشوندم و اونم بدبخت می کردم.
اعتیاد پسر	پسرم هم به سراغ مواد مخدر رفته
دوری از محیط نامناسب	با طلاقم خواستم که فرزندان را از محیط ناسالم ناشی از اعتیاد پدر نجات دهم
تاثیر منفی زندگی فرزند	مسائل زندگی و نگاه دخترم رو تحت تاثیر قرار داده
بی اعتمادی	از هر چی مرده بدم می آد.
افسردگی	حوصله هیچ کس و و هیچ چیز ندارم دوست دارم تنها باشم
خیانت همسر	به دلیل خیانت همسرم دیگر ماندن در آن زندگی برام غیر ممکن بود
بی مسئولیتی مرد	همسرم فردی خوشگذران و بی خیال بو
دغدغه مسکن	ودיעه مسکن و اجاره ماهیانه خیلی بالاست واقعا نمی دانم برای تامین اجاره ماهیانه چیکار کنم.
وفاداری به والدین	بچه ام به شدت به هر دو ما وابسته بود و بعد از جدایی خیلی اذیت شد
استقلال مالی	خدا رو شکر که این توانایی رو دارم خودم کار کنم و محتاج دیگران نباشم.
زندگی مستقل	من و دخترم به تنهایی زندگی می کنیم.
مسئولیت پذیری در زندگی	بیشتر کارها در زندگی با من بود،
تمایل فرزندان به آرامش	اشتیاق آنها برای آرامش و ثبات در زندگی روزمره
منزل کوچک پدری	خونه کوچک و قدیمی با ۳ فرزند مجرد جایی برای من و بچه ها نبود
اقتصاد نامناسب خانواده	از نظر شرایط مالی بسیار تحت فشار هستم
قطع رابطه با دوستان متاهل	با بسیاری از دوستان متاهلم قطع رابطه کنم.
	متوجه شوم دیگر دوست ندارند با من رابطه داشته باشند.



نمور ۱. نمودار ابری مربوط به مفاهیم مستخرج از مصاحبه آسیب های زنان سرپرست خانوار

سلب اختیارات فردی

خانواده زنان سرپرست خانوار، به ویژه برادران آنها با ارائه نظرات و امر و نهی و غیرت کاذب، حس تحقیر را در زنان بر می انگیزند. به دلیل نبود مرد در زندگی شان دیگران برای فرد تصمیم می گیرند و نظرات خود را آنان تحمیل می کنند (غلامی، ۱۴۰۰).

تحقیر کلامی

آزار زبانی از اشکال رایج تحقیر زنان سرپرست خانوار در محیط خانواده و کار می باشد. تحقیر کلامی شامل سرزنش زنان، دادن القاب ناشایست به آنان و دعوا کردن آنان در محیط خانواده و کار است (غلامی و جمعه پور، ۱۴۰۰).

انزوا و محدودیت اجتماعی

سرپرست شدن به واسطه طلاق موجب برچسب مطلقه بودن به فرد است. این برچسب رفتارها و کنش های فرد را تحت تاثیر قرار می دهد؛ به نوعی انزوا و محدودیت های اجتماعی را در ارتباط با سایر افراد به همراه دارد.

ازدواج مجدد ناکام

نیاز به داشتن شریک عاطفی یکی از نیازهای اصلی هر انسانی است و بی توجهی به آن می تواند افراد را دچار مشکلات روحی بسیاری کند (محمدی، محدی، ۱۳۹۸). علاوه بر نگاه های آزار دهنده مردان به زنان سرپرست خانوار، بسیاری آنان به دلیل عدم توانایی کافی در مواجهه شدن با مشکلات زندگی و فشار های جامعه و اطرافیان از روی اجبار به ازدواج مجدد راضی می شوند آنان اغلب مجبور به ازدواج با مردانی مسن تر یا دارای فرزند هستند. مهمترین مشکل زنان در مسئله ازدواج مجدد رضایت فرزندانشان می باشد.

دوگانگی نقش

از آنجایی که زنان سرپرست خانوار هم ناچارند با فعالیت اقتصادی، خرج زندگی را بدهند و از طرفی هم نمی توانند از نقش مادری، تربیت و مراقبت از فرزندان و خانه داری چشم پوشی کنند با مشکلات زیادی روبه رو می شوند. به طور معمول مردان وظیفه

اداره زندگی را بر عهده دارند و زنان در این باره آموزشی ندیده‌اند وقتی بر اساس شرایط زندگی، سرپرست خانوار می‌شوند رنج مضاعفی را تجربه می‌کنند.

آزارهای جنسی در محیط

زنان با از دست دادن همسر احساس بی‌پناهی و عدم حمایت عاطفی اجتماعی دارند. تجربه ناامنی جنسی بخش لاینفکی از زندگی آنان است که در حوزه‌های مختلف اجتماعی و همچون فضای عمومی، محل کار به شکل ازدواج نامطلوب و بدون شرایط مناسب تا تقاضای صیغه شدن و مزاحمت‌های خیابانی و ... که در مجموع آزارهای جنسی نامیده می‌شود ظهور و بروز می‌کند. آزار جنسی در محیط کار و بیرون از خانواده به نوعی نشان دهنده اقتدار یا قدرت مرد در تحمیل خواسته‌های جنسی می‌باشد (اصغری، ۱۳۸۹). این آزارها گاهی چنان زیرکانه صورت می‌گیرد، که منجر به پذیرش خواهش‌های جنسی در قبال پاداش می‌گردد.

سلامت روحی و روانی و جسمی

برای زنان سرپرست خانوار از هم پاشیدگی زندگی، احساس نگرانی نسبت به آینده و تنهایی خود و ترک فرزندان بسیار آزاردهنده است و مشکلات روحی را افزایش می‌دهد و حس سرزنش گرایانه زنان مطلقه ارمغانی جز احساس یأس، سرخوردگی و از دست رفتن اعتماد به نفس برای آنها نخواهد داشت.

رواج بی‌اعتمادی

مسئله مشهود دیگر این است که بی‌اعتمادی به مردان و عدم تمایل به یک زندگی زناشویی مجدد در بین زنان مطلقه بسیار زیاد است. نتایج پژوهش‌ها بیانگر بی‌اعتمادی زنان به مردان و شکل‌گیری روابط ناامن بر مبنای همین بی‌اعتمادی است. زینب می‌گوید: از بس که شوهرم بهم دروغ گفته بود دیگه نمی‌تونم به هیچ مردی اعتماد کنم. کلا به مرد نمی‌شه اعتماد کرد

اشتغال

نداشتن شغل مناسب مهمترین دغدغه زنان سرپرست خانوار می‌باشد. این زنان با اکثراً مهارت حرفه‌ای خاصی برای راه اندازی کار که حداقل درآمد را برای آنان فراهم کند آشنا نیستند (منصوری، ۱۳۸۷: ۳۵). علی‌رغم تعدد نقش و اجرای وظایف دوگانه، دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند که این شرایط خود بر امکانات و فرصت‌های در دسترس این زنان تاثیر منفی می‌گذارد و چرخه نابرابری و فقر را امتداد می‌دهد؛ به نحوی که خود فقر نیز چرخه آسیب‌ها و مشکلات را بازتولید می‌کند (احمدنیا، کامل‌قالیباف، ۱۳۹۶). با توجه به شرایط حال حاضر جامعه و نوسانات بازار اقتصادی، راه اندازی کسب و کار مستقل برایشان چندان مقدور نبوده؛ از طرفی هم فعالیت در زمینه‌های خدماتی با توجه به نگاهی که جامعه به زنان سرپرست خانوار دارد همواره برایشان مشکلاتی را به همراه داشته است.

مشکلات مسکن

دوران بعد از طلاق برای زنان سرپرست خانوار همراه با بی‌مهری اطرافیان به ویژه خانواده همراه است و مسئله زمانی وضعیت بحرانی به خود می‌گیرد که زن از نظر مالی و مسکن با مشکل مواجه شده و خانواده پدری نیز توان حمایت مادی را نداشته باشند؛ در این حالت معمولاً تامین هزینه‌های مسکن و انتخاب محیط زندگی سالم‌تر مهمترین دغدغه این زنان می‌باشد که این امر زمینه‌های سوء استفاده و بسیاری از آسیب‌های اخلاقی را به دنبال دارد.

آسیب های مربوط به فرزندان

طلاق فرصت ها و تهدیدهایی پیش روی زنان قرار داده است و فرزندان قربانیان اصلی آسیب های اجتماعی طلاق هستند. فرزندان به دلیل اینکه در معرض فشارهای روانی بی شماری قرار دارند، در بزرگسالی با علائم افسردگی، اضطراب، اختلالات روانی و عزت نفس پایین، طلاق بالاتر و دلبستگی ناایمن روبرو هستند (میلارز^{۱۲}، ۲۰۲۱).

افت تحصیل

غرق شدن در امور مربوط به تامین هزینه های زندگی موجب دور شدن اعضای خانواده از یکدیگر و بی توجهی نسبت به مسائل فرزندان می گردد (میرحسینی و کوه پیم، ۱۴۰۰: ۸۴).

گرایش به مصرف مواد مخدر

کلا تامین هزینه های زندگی با من بوده و همسر همیشگی یا خمار بوده یا نعلبه این قضیه در زندگی فرزندانم بسیار تاثیر داشته سعی می کردم آنها را از پدرشان دور کنم ولی شرایط بسیار نامناسب بوده الان هم که متواری شده پسر من به شدت دچار مشکل روحی شده اعتماد به نفس پایین داشته و به سمت سیگار گرایش پیدا کرده چیزی که همیشه از آن می ترسیدم.

نگرانی از آینده فرزندان

احساس نگرانی نسبت به تامین هزینه های زندگی، تحصیلی و شغلی فرزندان فشار مضاعفی را برای زنان سرپرست خانوار دارد. هزینه های زندگی و تحصیلی فرزندانم را به سختی تامین می کنم نگران آینده فرزندانم هستم که با توجه به مشکلات تا چه حد می توانم خواسته های آنان را تامین کنم.

پر خاشگیری و ناسازگاری

جدایی والدین و زندگی در دو خانه برای کودکان استرس زا بود و دنیای زندگی آنها را به طور گسترده و برای مدت طولانی تحت تأثیر قرار داد. کودکان بین احساس وفاداری خود نسبت به والدین و اشتیاق آنها برای آرامش و ثبات در زندگی روزمره خود احساس دودیدگی می کردند. درک کلی از تجربه کودکان این بود که زندگی در دو خانه مانند زندگی در دو جهان است. کودکان با احساس از دست دادن، وفاداری و دلبستگی دست و پنجه نرم کردند.

تحلیل مصاحبه ها نشان داد از مهمترین دغدغه های زنان سرپرست خانوار؛ ناسازگاری فرزندان که ناشی از شرایط ناآرام خانواده قبل از طلاق و مشکلات مربوط به نبود پدر در خانواده است.

جدول ۳. جدول فراوانی مربوط به مولفه های آسیب های اجتماعی زنان سرپرست خانوار

ردیف	مفاهیم	فراوانی
۱	بی اعتماد	۱۲
۲	فشار محیطی	۱۳
۳	نگاه منفی به طلاق	۱۱
۴	سلب اختیارات فردی	۵

^{۱۲} - Miralles

۵	شرایط مالی نامناسب	۲۰
۶	نگرانی آینده	۲۱
۷	ناسازگاری فرزندان	۱۰
۸	تحصیلات فرزندان	۵
۹	آزار جنسی	۹
۱۰	آزار کلامی	۱۰
۱۱	انزوا	۱۴
۱۲	اشتغال	۲۲
۱۳	زندگی در منزل رفیق	۴
۱۴	وفاداری به والدین	۴
۱۵	تهیه مسکن	۱۱
جمع ۱۷۱		

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳، که ۴۴ کد در نهایت به ۱۵ کد با فراوانی مختلف بدست آمد. می توان بیان داشت که مفاهیم اشتغال، نگرانی از آینده خود و فرزندان و شرایط مالی نامناسب بیشترین فراوانی را داشتند. بنابراین از دیدگاه زنان سرپرست خانوار مصاحبه شده؛ داشتن یک شغل مناسب و درآمد مکفی که بتوانند هزینه های زندگی را تامین کنند موجب کاهش نگرانی آنان نسبت به آینده زندگی خود و فرزندانشان می گردد.

با توجه به مصاحبه های انجام گرفته مفاهیم و کد های مستخرج از مصاحبه ها در نهایت مضامین اصلی و فرعی پژوهش به شرح جدول ذیل می باشد. با توجه به اطلاعات بدست آمده آسیب های زنان سرپرست خانوار به دو دسته اجتماعی و اقتصادی تقسیم می گرد که به تفکیک در جدول شماره ۴ قابل ملاحظه می باشد.

جدول شماره ۴. آسیب های اجتماعی - اقتصادی زنان سرپرست خانوار شناسایی شده در این پژوهش

مضمون اصلی	مضمون فرعی
آسیب های اجتماعی	سلب اختیارات فردی، تحقیر کلامی، سلامت روانی - اجتماعی و جسمی، ازدواج مجدد ناکام، عدم امنیت جنسی، تحقیر کلامی، گرایش به مواد مخدر، انزوا، محدودیت ارتباطات اجتماعی، دوگانگی نقش، بزهکاری فرزندان، افت و ترک تحصیل فرزندان، رواج بی اعتمادی، طلاق در زندگی زناشویی فرزندان، ناسازگاری چالش های مربوط به تک والدی
آسیب های اقتصادی	درآمد ناکافی، بیکاری، عدم دست یابی به شغل مناسب، هزینه های مربوط به اجاره مسکن

۵. بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص گردید که اکثریت زنان سرپرست خانوار تحت حمایت بهزیستی در حوزه مورد مطالعه، زنان مطلقه بوده و این بیانگر آن است که شیوع طلاق در سال های اخیر در جامعه مورد بررسی روند رو به رشدی داشته که مشکلات فراوانی را برای زنان و خانواده ها به دنبال دارد. آسیب های زنان سرپرست خانوار را می توان در دو دسته آسیب هایی که گریبانگیر خود زنان شده و آسیب هایی که به فرزندان آنان مربوط می شود تقسیم بندی کرد. درک و تفسیری که از داده های حاصل از مصاحبه بدست آمد؛ بیانگر شرایط اقتصادی و اجتماعی نامناسب زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی می باشد. مشکلات مالی، نبود فرصت های شغلی مناسب و در نتیجه ناکامی در تامین هزینه های زندگی و تهیه مسکن مناسب، منجر به سرخوردگی و فشار شده در نتیجه آسیب پذیری بیشتر آنان و فرزندانشان را به دنبال دارد. از طرفی فقدان پیوندها و شبکه های اجتماعی مناسب و فقدان حمایت خانواده و اطرافیان منجر به تشدید فقر و آسیب پذیری بیشتر زنان و فرزندانشان می گردد. این یافته ها در تایید نظریه ناکامی منزلی، زنانه شدن فقر، دیدگاه ساختی - کارکردی می باشد. ساختار تمامی جوامع بشری و از جمله ایران در فرایند به وجود آوردن فرصت های شغلی دارای شاکله ای مردانه است و بازار کار بسیار مردانه است؛ بنابراین نیروی کار مردان مورد استقبال بیشتری قرار دارد و نبود فرصت های شغلی متناسب با سطح نیاز جامعه سبب شده است تا بخش زیادی از زنان سرپرست خانوار از یافتن شغلی با درآمد مناسب که حداقل های زندگی را تامین نماید باز بمانند. از آنجایی که این زنان ناچارند با فعالیت اقتصادی، هزینه های زندگی را تامین نمایند و نقش مادری، تربیت و مراقبت از فرزندان و خانه داری نیز به خوبی انجام دهند با مشکلات زیادی روبه رو می شوند. به طور معمول مردان وظیفه اداره زندگی را به عهده دارند و زنان در این باره آموزشی ندیده اند و وقتی بر اساس شرایط زندگی، سرپرست خانوار می شوند رنج مضاعفی را تجربه می کنند. میزان کیفیت و رضایتمندی این افراد در زندگی کم است و به دلیل تبعیض های مضاعف در معرض انواع آسیب ها قرار دارند. مشکلات مالی و بر عهده گرفتن نقش مضاعف در زندگی موجب ایجاد احساس یاس و سرخوردگی، از دست رفتن اعتماد به نفس و در نهایت عدم کنترل فرزندان می شود که نتیجه این اتفاقات می تواند آسیب های اجتماعی وارده بر فرزندان این خانواده ها باشد. فرزندان خانواده های تک والدینی از کفایت اجتماعی کمتری برخوردار بوده اند و مشکلات رفتاری بیشتری را از خود نشان داده اند. عملکرد تحصیلی فرزندان این خانواده ها ضعیفتر بوده و عموماً درون گرا هستند. همچنین به دلیل مشغله کاری مادر، کنترل و نظارت اجتماعی بر رفتارشان کافی نیست. فرزندان زنان سرپرست خانوار به مثابه فرزندان طبقه پایین در مقایسه با همسالان خود در مدرسه و محله در دستیابی به اهداف و نیازها ناکام شده و احساس سرخوردگی می کنند که همین مسئله زمینه بزهکاری، ترک تحصیل، پر خاشگری و ناسازگاری را برای آنها فراهم می کند. بنابراین می توان گفت این زنان بسیار نگران زندگی آینده خود و فرزندانشان هستند. زنان سرپرست خانواده نسبت به خانواده هایی که والدین هر دو حضور دارند؛ فشار بیشتری را تحمل کرده و در نتیجه میزان رضایتمندی آنان کاهش می یابد. افزایش فشارهای زندگی، کاهش روابط اجتماعی منجر به انزوا و سرخوردگی اجتماعی زنان می گردد که منجر به بروز عواطف و احساسات و عواطف منفی و در نتیجه بد رفتاری با کودکان می شود.

ناامنی در جامعه از مسائلی است که این زنان با آن درگیر بودند. این زنان از آنجا که هیچ مردی، سرپرستی آنان را بر عهده ندارد؛ بسیاری از مردان به خود اجازه می دهند خواش نابخشایی همچون صیغه، ارتباط پنهانی و روابط نامتعارف داشته باشند. این ناامنی به همه بخش های زندگی این زنان سرایت می کند و نوعی بی اعتمادی نسبت به مردان را در بین آنها و فرزندانشان توسعه می دهد. بدترین اتفاق برای یک جامعه، از بین رفتن اعتماد است؛ که از فقر هم بدتر است. چنین جامعه ای هرگز پیشرفت نخواهد کرد. همچنین این ناامنی روابط اجتماعی آنان را تحت تاثیر قرار داده؛ به گونه ای که بسیاری از دوستان و اطرافیان از ادامه رابطه با آنها پرهیز می کنند. بنابراین این زنان جهت دوری از این ناامنی و نگاه منفی جامعه و اطرافیان به آنها به نوعی سعی می کنند

روابط اجتماعی خود را محدود کرده و تنهایی و دوری از دوستان و آشنایان را بر گزینند. این امر نوعی نا آرامی و اضطراب و افسردگی را به دنبال داشته و منجر به از بین رفتن سلامت روحی و روانی آنان می گردد. امروزه نیز به رغم حمایت‌های دولت و ارگان‌هایی مانند کمیته امداد و سازمان بهزیستی از زنان سرپرست خانوار؛ همواره شاهد هستیم تعداد کثیری از این زنان با وضعیت نامناسبی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و روانی مواجه هستند که هر کدام از این جنبه‌ها خود در بروز آسیب‌ها در جامعه نقش حیاتی دارند. این آسیب‌ها نشانه ناکارآمدی مدیریت اجتماعی است که تحت تأثیر مدیریت فرهنگی و اقتصادی در کشور می باشد. در این شرایط به طور طبیعی باید روی موارد تعیین کننده و مؤثر در این حوزه‌ها تمرکز شود از جمله وضعیت سواد سلامت روانی یا سواد اجتماعی، داشتن نشاط و سرمایه اجتماعی در جامعه، شادابی خانواده، وجود ارزش‌ها، باورهای دینی، هنجارهای اجتماعی و تبعیت از قانون از موارد حائز اهمیت است و لازم است با در نظر گرفتن این ابعاد سیاستگذاری‌های کارشناسانه و مدبرانه انجام شود. نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش لویر و همکاران (۲۰۰۰) در زمینه آسیب پذیر بودن فرزندان در خانواده های تک والدی، فولر و لین (۲۰۲۰) آسیب پذیری بیشتر زنان سرپرست خانوار در مقایسه با زنان دارای سرپرست مرد، فکس و شراینر (۲۰۱۴) ترس از ازدواج مجدد و رواج بی اعتمادی در زنان، ترابی (۱۴۰۱) آسیب پذیری روانی - اجتماعی بیشتر، مختاری، مختاری و دهقانی (۱۴۰۰) و واعظی، اسماعیلی و محمدی (۱۴۰۰) ناامنی، بی اعتمادی، شرایط نامناسب اشتغال و نگرانی از آینده فرزندان، میرحسینی و کوه پیم (۱۴۰۰) انزوا و محدودیت، فردگرایی، فرزند محوری و ناسازگاری فرزندان می باشد.

اگر چه سازمان حمایتی بهزیستی خدمات مختلف مادی و غیر مادی به این زنان در جهت بهبود وضعیت زندگی آنان ارائه می دهد، ولی به دلیل وسعت مشکلات این گروه از زنان به ندرت پاسخگوی نیازهای آنان بوده، لذا حل مسئله این زنان در گرو توانمندسازی آنان در ابعاد مختلف فردی، روانی، اجتماعی و اقتصادی می باشد، تا بتوان در جهت بهبود وضعیت آنان و رهایی از فقر و مشکلات گامی اساسی برداشت.

۶. پیشنهادات

- با توجه به نتایج پژوهش و دغدغه های زنان سرپرست خانوار می توان پیشنهاد داد :
- در خصوص اشتغال مهمترین دغدغه زان سرپرست خانوار می باشد لذا نیاز است که مددکاران بهزیستی زمان بیشتری را صرف مشاوره های فردی و برگزاری کلاس های مهارت فنی و حرفه ای و آموزش های کسب و کار جهت آماده سازی زنان برای ورد به بازار کار نماید
- هدایت و معرفی زنان سرپرست خانوار به سمت کارگاهای تولید و صنعتی و تشویق کارفرمایان با ارائه بسته های حمایتی از جمله (تسهیلات کم بهره، معافیت مالیاتی و تخفیفات بیمه ای) در جهت جذب و نگهداری زنان سرپرست خانوار
- در خصوص مسکن می توان بیان داشت با افزایش هزینه های خرید و اجاره مسکن سیاست هایی در قالب طرح مسکن ملی با سرعت بیشتری در جهت بهره مندی زنان از واحدهای مسکونی پیشرفت کار داشته باشند
- همچنین تغییر دستورالعمل های فعلی و تصویب دستورالعمل های جدید با گرفتن تعهد چند ماهه در پرداخت تسهیلات و کمک های بلاعوض قبل از اجاره منزل صورت گیرد .
- ارتقاء سرمایه های اجتماعی و افزایش شبکه های ارتباطی بین زنان در جهت بهبود وضعیت روحی و روانی و کنترل رفتار اجتماعی

Torabi, F& Sadeghi, H S & Ranjbari, S (۱۴۰۱). The vulnerability of female heads of the household and its policy implications in Iran. *Iranian Journal of Social Issues*, ۱۳(۱), ۳۳۸-۳۱۳. (In Persian). https://ijsp.ut.ac.ir/article_۹۰۴۱۴

Ahmadnia, Sh & Kamel Ghalibaf, A (۱۳۹۶). Women heads of households in Tehran. *Social Welfare Quarterly*. ۱۷(۶۰), ۱۰۳-۱۳۷. (In Persian). [http:// refahj.uswr.ac.ir/article-۱-۲۹۸۲-fa.html](http://refahj.uswr.ac.ir/article-۱-۲۹۸۲-fa.html).

Amraleh Majdabadi, Z & colleagues (۲۰۱۸). Quality of life of women heads of households in Iran. *Journal of Iranian Nursing Research*, ۴(۵), ۵۹-۶۵. (In Persian). <https://ijnr.ir/article-۱-۲۱۲۰-fa.html>

Asghari, A.A (۱۳۸۹). Women heads of households and social harms. *Golestan Police Science Journal*, ۱(۱), ۳۴ – ۵۵. (In Persian).

El-Lawindi, M. I & Hend Aly, Sabry& Eman Hany, E. (۲۰۱۹). Household Headship and Women's Health: An Exploratory Study from Egypt. *The Egyptian Journal of Community Medicine* ,۳۷ (۲), ۱-۹. https://journals.ekb.eg/article_۳۰۹۰۸_۹۰۵f۶۷afdc۵۶۰۲۶۹۵۱۰dd۰۵۲۰۱۰fe۱f.pdf

Fox, W. E. & Mike, Sh. (۲۰۱۴). Remarried Couples in Premarital Education: Does the Content Match Participant Needs?. *Journal of Divorce & Remarriage*, ۵۵(۴), ۲۷۶ -۲۹۹. <https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۱۰۵۰۲۵۵۶,۲۰۱۴,۹۰۱۸۴۱>

Fullera, R., & Lainb J. (۲۰۲۰). Are female-headed households less resilient? *Evidence from Oxfam's impact evaluations. Climate and Development*, ۱۲(۵). ۴۲۰- ۴۳۵. [https:// doi.org/ ۱۰.۱۰۸۰/۱۷۵۶۵۵۲۹,۲۰۱۹,۱۶۳۷۳۳۰](https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۱۷۵۶۵۵۲۹,۲۰۱۹,۱۶۳۷۳۳۰).

Gholam Nyarmi, A & Ansari, E (۲۰۱۴). Sociological investigation of the factors affecting the social security of female heads of the household. *Welfare and Social Development Planning Quarterly*, (۲۶), ۲۵-۶۰. (In Persian). [https:// qjst.atu.ac.ir/article_۴۸۸۱_f۴b۸۵۵e۰۹۴d۶d۴f۶۶dae۷e۳۴febefd۱c.pdf](https://qjst.atu.ac.ir/article_۴۸۸۱_f۴b۸۵۵e۰۹۴d۶d۴f۶۶dae۷e۳۴febefd۱c.pdf)

Gholami Nyarmi, A (۲۰۱۶). Sociological assessment of the four dimensions of social security among women heads of households (case study: women heads of households in Tehran). *Women's Research Journal*, (۳), ۶۹-۸۶. (In Persian). https://womenstudy.iwcs.ac.ir/article_۲۷۲۹.html

Gholami, S & Jumapour, M (۱۴۰۰). Explaining the lived experiences of women heads of households from humiliating social habits. *Lifestyle research paper*, (۱۲), ۹-۳۶. (In Persian). https://journal.manaviyat.ir/article_۱۴۳۸۶۱.html

hasemi, A & Esfajir, A. A & Hyderabadi, A (۱۴۰۰). Social factors affecting the tendency to social harms of women heads of households (case study: women heads of households in Mashhad). *Women's Police Quarterly*(۳۴), ۵۰-۷۶. (In Persian). ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۷۳۵۹۳۱۷,۱۴۰۰,۱۵,۳۴,۳,۴.

Hosseinpour, A (۲۰۱۶). Women heads of households, harms and challenges and solutions. *National conference on chastity, hijab and lifestyle*. (In Persian). <https://civilica.com/doc/۶۶۲۷۹۲>

- Javadian, S & Mirzaei Fathabad, H & Afrasiabi, H (۲۰۱۸). Qualitative study of reasons and areas of non-participation of women heads of households in the empowerment program. *Leadership researches on Iran's social issues*, (۲۵), ۶۵-۸۶. (In Persian). https://ssoss.ui.ac.ir/article_۲۴۶۳.html
- Khani, S & Khazari, F & Yari, K (۲۰۱۶). A study of social vulnerability of women heads of households and women with guardians in Sultanabad area of Tehran. *Women in development and politics*. ۱۵(۴), ۵۹۷-۶۲۰. (In Persian). <https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jwdp.۲۰۱۷.۲۳۳۷.۹.۱۰.۷۲.۳>
- Liu, C & Esteve, A & Trevino, R. (۲۰۱۷). Female-Headed Households and Living Conditions in Latin America. *World Development*. (۹۰), ۳۱۱-۳۲۸. <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.worlddev.۲۰۱۶.۱۰.۰۰۸>
- Mansouri, Z (۲۰۰۷). Paying attention to women heads of households and the laws of its effect on reducing social harm. *Women and Family Cultural Quarterly*, ۱۳ and ۱۴, ۳۱-۵۸. (In Persian). https://cwfs.ihu.ac.ir/article_۲۰۱۵۴۲.html
- Miralles, Paloma & Godoy, Carmen , D & Hidalgo, M. (۲۰۲۳). Long-term emotional consequences of parental alienation exposure in children of divorced parents: A systematic review. *Current Psychology*, (۴۲), ۱۲۰۵۵-۱۲۰۶۹. <https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۲۱۴۴-۰۲۱-۰۲۵۳۷-۲>
- Mirhosseini, Z & Koh Pima, Z (۱۴۰۰). Analyzing women's perceived understanding of women's harms. *Iranian Social Issues Strategic Research Journal*. ۱۰(۳۲), ۷۱-۹۸. (In Persian) https://ssoss.ui.ac.ir/article_۲۵۷۹۴.html
- Mohammadi, R & Mohammadi, Z (۲۰۱۸). Challenges of remarriage of women with children: qualitative research. *Women in development and politics*. ۱۷, (۱), pp. ۱۱۹-۹۷. (In Persian). <https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jwdp.۲۰۱۹.۲۷۵۷۲۳.۱۰.۷۵۸۶>
- Mokhtari, M a & Dehghani, H (۱۴۰۰). Lived experience of women heads of households in social relations in Yasouj city. *Women and Family Studies Quarterly*. ۹(۳), ۷۸-۱۰۱. (In Persian). https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_۵۹۵۵.html
- Munsi Shabestri, S. (۲۰۱۶). *The lived experience of capable women who are heads of the household*. Master's thesis, Al-Zahra University - Urmia branch. (In Persian).
- Mwangi, c (۲۰۱۷) an assessment of impact of poverty on female headed household in kangemi, kenya. master thesis in n Gender and Development Studies of the University of Nairobi. <http://erepository.uonbi.ac.ke/handle/۱۱۲۹۵/۱۰۲۳۵۷>
- Shiani, M & Zare, H. (۲۰۱۸). Meta-analysis of studies of female heads of household in Iran. *Sociological Studies*, ۲۶ (۲), ۶۷-۹۷. (In Persian). ۱۰.۲۲۰۵۹/JSR.۲۰۲۰.۷۵۸۵۹

Sternberg, Ch. F (۱۳۸۴). *Qualitative research methods in social sciences*, translated by Ahmad Pour Ahmed and Ali Shammai, Yazd: Yazd University. (In Persian).

Tavasoli, A & Abdifar, Z & Sheikhi, M. T. (۱۴۰۱). Investigating the social vulnerability of female heads of households compared to married women in health care. *Social Work Quarterly*, ۹(۳۱), ۸۷-۱۱۷. (In Persian). [https:// doi.org/۱۰,۲۲۰۵۴/rjsw.۲۰۲۲,۶۷۵۷۶,۵۸۶](https://doi.org/10.1007/s11191-021-00886-8)

Vaezi, F; Smaili, R and Mohammadi, A (۱۴۰۰). Analyzing the lived experiences of women heads of households in facing high-risk behaviors: a study of women heads of households in Kerman city. *Journal of Women's Strategic Studies*, ۲۴(۹۴), ۷۵-۱۰۳.(In Persian). https://www.jwss.ir/article_۱۴۶۱۸۷.html